

عذاب جهنم



آیت الله حسین نوری

دو اصل مهم تبشیر و اذار یعنی بشارت و تشویق به انجام کارهای نیک و برحذر داشتن از اعمال بد، از اصول تربیتی و تبلیغی قرآن کریم است.

این کتاب مقدس الهی در آیات فراوانی از آثار و عواقب نیک و مطلوب اعتقادات صحیح و اعمال صالح در صحنه این جهان و آن جهان خبر میدهد و از نتایج نامطلوب و کفرهای شدید انحرافهای اعتقادی و گناهان در دو جهان نیز با تاکید فراوان برحذر میدارد.

این کتاب آسمانی برای کسانی که در زندگی همیشه مراقب خود بوده و در راه انجام وظائف انسانی گام برداشته اند «بهشت جاوید» را که تجلیگاه لطف و رحمت پروردگار رحیم است بعنوان پاداش یادآور میشود و برای افرادی که به صراط مستقیم پشت پازده و در زندگی خود در راه مخالفت با مقررات الهی گام برمیدارند «جهنم» را که مظهر قهر و غضب خداوند قهار است به عنوان کیفر معرفی مینماید.

در این رابطه در مقاله پیش گفته شد که رنجها و آلام جهنم بر دو گونه است: آلام روحانی و آلام جسمانی و در شرح آلام جسمانی اهل جهنم غذاهای جهنمیان بر اساس استغاده از آیات قرآن مجید بیان گردید و اینک بیان آشامیدنیهای جهنمیان:

الف - حمیم

«حمیم» بمعنای آب بسیار داغ و جوشان است و آن در تعدادی از آیات قرآن بعنوان یکی از آشامیدنیهای اهل جهنم باین شرح معرفی شده است:

«وَدَّرِ الدِّينَ الْعَذْوَا دِنَهُمْ لِعِبَا وَلَهُوَا وَغَرَّتْهُمْ

فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»^۲

داستان بهشتی که بمتقیان در دنیا وعده داده اند این است که در آن نهرهایی است از آب زلال و گوارا و نهرهایی از شیر تازه ای که هرگز تغییریری در طعم آن بوجود نیامده و نهرهایی از شراب ناب مخصوص بهشتیان که نوشندگان را لذتی در سر حد کمال می بخشد و نهرهایی از غسل مصفا و برای آنان انواع میوه ها در آن مهیا است و بالاتر از همه اینها لطف و مغفرت خداوند آیا حال و وضع آنان با کسانی که در آتش جهنم برای همیشه معذب هستند و از آب جوشانی که امعاء و اعضای داخلی آنها را پاره پاره میکند مینوشند یکسان خواهد بود؟

۳ - «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»^۳

برای آنانکه راه عناد و کفر را در دنیا پیش گرفتند مجازاتی جز آشامیدن آب داغ و جوشان جهنم و عذاب دردآور نخواهد بود.

۴ - «فَسَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَسَارِبُونَ شُرْبِ الْهَبِيمِ»^۴

کسانی که دروادی گمراهی اقتادند و آیات الهی را تکذیب کردند از غذای زقوم جهنم میخورند و از آب جوشان آن مانند شتران تشنه مینوشند باید توجه داشت که در قرآن کریم از آب داغ و جوشان غیر از تعبیر به «حمیم» که گفته شد با عبارت دیگری نیز تعبیر بعمل آمده است که یکی از آنها این مورد است:

«أَنَا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِنَّ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَفِيئُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا»^۵

الْعَبْوَةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَسْتَلَّ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَقْدِرْ كُلُّ غَدَلٍ لَا يُؤْخَذُ بِهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»^۱

یعنی آنان که دین خود را باز بجه و وسیله هوا و هوس قرار دادند و زندگی دنیا فریشان داد را بما واگذار و همیستقدر با آنها تذکر بده که هر کس در عاقبت بعمل خود گرفتار میشود و هیچکس را جز خداوند دادرس و جز بامر خداوند شفیع نخواهد بود و هر چه را که برای رهایی از عذاب خداوند بدهد از او پذیرفته نمیشود این چنین افراد کسانی هستند که بواسطه ارتکاب اعمال بد از لطف و رحمت خداوند محروم گردیده اند و سرانجام آنها چون بآیات الهی کفر ورزیدند جز آشامیدن آب داغ و جوشان و عذاب دردناک جهنم چیزی نیست.

۲ - «مَنْ قَتَلَ الْبَغْتَةَ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا

ما برای متمکاران آتشی مهتا ساخته ایم که شعله و شراره های آن مانند خیمه های بزرگ بر اطراف آنها احاطه کرده و چنانچه آنها از شدت عطش آب درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان بآنها داده میشود که چهره های آنها را میسوزاند و آن آبی است بسیار بد و جهنم نیز جایگاه بسیاری است. و یکی دیگر این مورد است:

«تَضَلُّ نَارًا حَامِيَةً تُسْفَى مِنْ عَنِّي آيَةٌ»^۹
یعنی گناهکاران در آتش سوزان میسوزند و از آب چشمه جوشان مینوشند.

ب - صدید

یکی دیگر از آشامیدنیهای اهل جهنم «صدید» است و آن خونابه ای میباشد که از ابدان اهل جهنم خارج میگردد و از آن تنها یک مرتبه در قرآن نام برده شده است:

«وَحَابٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْفَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ يَجْرُغُهُ وَلَا يَكَادُ بَسِيغُهُ»

وَنَاتِيهِ التَّوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ»^۷

یعنی هرگردنکش و جبّاری دچار خسران و زیان می گردد و از آن پس در آتش دوزخ می افتد و از آب پلید چرکین مینوشد و نوشیدن آن آب هرگز بر او گوارا نمی شود و مرگ از هر طرف به او روی میآورد ولی نمیمیرد و در عذاب سخت بسر میبرد.

ج - عَسَاق

در تفسیر مجمع البیان «عساق» را به آب بسیار سرد زمهریر معنا کرده است^۸ (هر چند برخی از مفسران آنرا نیز بمعنای خون و چرکی که از بدنهای اهل جهنم سرازیر می گردد دانسته اند).

این تعبیر در دو جای قرآن پس از کلمه حمیم که بمعنای آب جوشان و داغ است - چنانکه ذکر گردید - آمده است.

۱- «وَأِنَّ لِلْقَائِمِينَ لَشَرَّ مَاءٍ جَهَنَّمَ تَضَلُّونَهَا»

فَيَسُّ الِيهَادُ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ»^۱

برای کسانی که در برابر خداوند راه مطعیان را پیش گرفتند بدترین جایگاه که جهنم است فراهم گردیده که در آن قرار میگیرند و در آنجا باید آب بسیار داغ حمیم و آب بسیار سرد عساق را بچشند.

۲- «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا»^{۱۰}

برای اهل جهنم سردی خنک و مطبوع و آب گوارا وجود ندارد و آنها جز آب داغ و جوشان و عساق که آب بسیار سرد است نمیتوانند.

ادامه دارد

- ۱- سوره انعام - آیه ۷۰ - ۷ - سوره ابراهیم - آیه ۱۵-۱۷
- ۲- سوره محمد - آیه ۱۵ - ۸ - تفسیر مجمع البیان - ج ۸
- ۳- سوره یونس - آیه ۴ - ص ۸۸۳
- ۴- سوره واقعه - آیه ۵۵-۵۶ - ۹ - سوره ص - آیه ۵۵-۵۷
- ۵- سوره کهف - آیه ۲۹ - ۱۰ - سوره نبا - آیه ۲۵ و ۲۴
- ۶- سوره غاشیه - آیه ۴ و ۵

قیامت

قیامت چیست، بهر آن گویم ای عالیجناب، آنجا بود فردوس اعلا مزد اعمال صواب آنجا بصدق آیه قرآن که فرماید فَمَنْ يَعْمَلْ عَمَلًا غَيْرَ نَبِيكٍ يَأْتِيهِ هَرْدٌ وَأَنَّهُ لَبِئْسَ مَا كَفَّلْنَا لَكُمْ رَسُولًا إِنَّكُمْ عَلَىٰ عَمَلِكُمْ عَادِلُونَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ نَجُودٌ وَشَهِيدٌ نَسِيحٌ لَكُمْ فِي الْمَدِينَةِ الْيَوْمَ وَالسَّبْحِ وَالْمَسَاءِ وَالصُّبْحِ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

قیامت میشود روز قیامت روز حسرت، روز سوگونی که دامن گیرانسان میشود بخرم عذاب آنجا میراد از بسرازد، و سادراز کودک گریزآرد بفریکار خود باشد هر یک شیخ و شاب آنجا اطاعت هر که بنماید ز فضل اکبر و اصغر شفیعش میشود پیغمبر حتمی مآب آنجا قبول و رد اعمال است میزان حب اهل البیت ولای آل پیغمبر بود حد نصاب آنجا عبادت خالی از تقوا و بیشش می ندارد نمود عبادت خالی از تقوا بود مردش سراب آنجا به تقوا بیمه کن خود را کز این بهتر نمیشاند اگر اینجا کنی برهیز، باشی مستطاب آنجا بخدمت گر کمر بندی برای بندگان دارد بهر یک کار نیک و بهر انسان ده نواب آنجا بقرآن جسم و جان را احمدی نمویذ کن اینجا که پرتو افکنند روی سرت همچون سحاب آنجا شود از دود آه خلق بنیانش خراب آنجا

بسیار سرد زمهریر معنا کرده است^۸ (هر چند برخی از مفسران آنرا نیز بمعنای خون و چرکی که از بدنهای اهل جهنم سرازیر می گردد دانسته اند).

این تعبیر در دو جای قرآن پس از کلمه حمیم که بمعنای آب جوشان و داغ است - چنانکه ذکر گردید - آمده است.

۱- «وَأِنَّ لِلْقَائِمِينَ لَشَرَّ مَاءٍ جَهَنَّمَ تَضَلُّونَهَا»